

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ اکتوبر ۲۰۲۱

آیا زندگی سیاسی خاینانه "خلیلزاد" پایان یافت؟

(۳)

پنجشنبه- ۲۹ میزان ۱۴۰۰ - کابل:

۴- و اما در پاسخ به سؤالی که آیا حیات سیاسی خاینانه "زلمی خلیلزاد" خاتمه یافته است و یا نه، باید گفت:

*- نمی دانم این وجیزه را که "هرگز، هرگز نگوئید" در کجا خوانده ام و این را هم نمی دانم که از کدام زبان و فرهنگی برخاسته است، آنچه مسلم است، امریست که می تواند مشورت خوبی علیه برخورد مطلق گرایانه و متحجرانه نسبت به پدیده های اجتماعی درکل باشد.

*- بر مبنای حکم بالا، نمی توانیم هیچ گاهی حکم نمائیم که حیات سیاسی "خلیلزاد" مطلقاً خاتمه یافته است. "خلیلزاد" و "خلیلزاد" ها به مثابه مهره بیجان و پیادگان تخته بزرگ شطرنج جهانی متناسب با نیاز بازی کنان اصلی، یا خورده می شوند و از بازی کنار گذاشته می شوند و یا هم بنا بر ضرورت ها، دوباره احیاء شده، پیاده کم قدرت و آسیب پذیر، به وزیر توانمند و همه کاره مبدل می شوند. امریکه "خلیلزاد" بسیار آگاهانه و زیرکانه در همان سطر استعفايش با کار برد کلمه "مجدداً" در عبارت "مجدداً در خدمت مردم امریکا" به کنار ماندن ها در گذشته و احیای مجددش اشاره نموده است.

*- "خلیلزاد" چه به مثابه فرد خودش در نظر گرفته شود و چه هم به مثابه نماینده و شاگرد یک روند که به هزاران تن دیگر در همان مسیر گام می گذارند، یکی از موفق ترین جواسیسی بوده که قادر شده است یک حاکمیت هرچند پوشالی صاحب دم و دستگاه عریض و طویل امنیتی- استخباراتی و نظامی را که در حدود ۳۵۰ هزار نفر عضو داشت و بیشتر از ۸۰ میلیارد دالر بالای آن مصرف شده بود، بدون شلیک یک گلوله حتا برای دفاع و بقای خودش، به دشمن تسلیم دارد.

*- می توانیم مطمئن باشیم که چه ما بخواهیم و چه هم نخواهیم، چگونگی عملکرد "خلیلزاد" در قبال به سقوط سوق دادن حاکمیت پوشالی نه تنها از طرف نهاد های امنیتی امریکا، بلکه از جانب سایر نهاد های امنیتی در سطح جهان نیز، مورد مطالعه قرار گرفته با تئوریزی شدن، به بخشی از برنامه تربیتی جواسیس در آینده مبدل خواهد شد.

*- "خلیلزاد" دکانداری نبوده که خودش برای خود دکانی باز نموده باشد و با سرقت و یا آتش گرفتن دکان به خاک سیاه بنشیند، عکس آن "خلیلزاد" گرداننده دکانی بوده که سرمایه های صاحبانش در سطح جهان فعال است و از امروز تا

فردا علایقش نسبت به این محله و یا آن محله و یا این متاع و یا آن متاع تغییر می نماید و متناسب با تغییر سیاست هایش در انتخاب محله ها و یا متاع قابل عرضه، کارمندانی را استخدام و کارمندانی را هم اخراج می نماید. این را باید بدانیم که کارکردن در چنین سیستمی، نه استخدامش دایمی است و نه هم اخراجش. یعنی در زمان ضرورت استخدا تم می نماید و با رفع ضرورت فرد را اخراج می دارد.

*- بر همین مبنا، "خلیلزاد" به مثابه یک کارمند موفق استخباراتی با چنین کارنامه درخشانی، هرگاه امروز با تغییر سیاست محل استخدام خانه نشین شده باشد، می باید این احتمال را که فردا با تغییر سیاست بادران "مجدداً مجدداً" به کار گرفته شود، نباید منتفی دانسته شود.

هو طنان گرامی!

ما مردمی که از بازی های استخباراتی "خلیلزاد" ضرر و زیان دیده ایم، خانه و کاشانه مان را از دست داده ایم، با سلطه طالبان حیات اجتماعی مجموع فامیل ما اعم از مرد و زن، کودک و کهنسال، به صفر ضرب خورده، تمام آزادیها و حقوق دموکراتیک مان را از دست داده ایم، حق داریم که از "خلیلزاد" و عملکردش متنفر باشیم و نه تنها به استعفاء و اخراجش دلخوش نمائیم، بلکه با مرگش نیز محافل جشن و سرور برپا داریم؛ مگر واقعیت قضیه این است که هرگاه خواسته باشیم آینده مان را از نفوذ و آسیب "خلیلزاد" ها مصون داریم، می باید شناخت خویش را از شخصیت ها، کرکتر ها و چگونگی عملکرد "خلیلزاد" ها ارتقاء دهیم.

یعنی تنها به ابراز نفرت از خودش اکتفاء ننمائیم، ببینیم که او چگونه توانست یک "دولت" هرچند پوشالی را بدون شلیک یک گلوله وادار به تسلیم ساخت؟ آیا در این پیروزی طرف مقابلش یعنی "غنی احمدزی" هم نقش داشت و یا خیر؟ اصولاً آن حاکمیتی که به وجود آمده بود، آیا برای شکست و جای خالی نمودن ایجاد شده بود و یا واقعاً وظیفه تحکیم خودش را داشت؟ آن ارتش تا دندان مسلح که بدون شلیک یک گلوله، از درون خود را مضمحل اعلام داشت، آیا وظیفه اش دفاع بود و یا در زمانش فروپاشی؟ آیا این "بیغیرتی" ارتش برخاسته از بیغیرتی ایرانی ها حین انتقال قدرت به "خمینی"، بیغیرتی عراق ها حین تصرف عراق به وسیله داعش و بیغیرتی افغانها در مقطع کنونی بود و یا اصولاً استعمار به خصوص امپریالیسم امریکا، این ارتشها را برای همین روز ساخته بود تا در زمانش با سقوط شان توده های ملیونی کشور ها را غافلگیر نموده در بند و اسارت دشمنان مردم بیندازند؟

هو طنان گرامی!

اگر نمی خواهید در قطار آنهایی به شمار آئیم که از یک غار دوبار گزیده شده اند، می باید شناخت مان را از "خلیلزاد" ها و تکتیک های کاری شان ارتقاء داده، از این خوشحال نباشیم که "خلیلزاد" رفت، دیگر همه چیز تمام شد، بلکه می باید تلاش نمائیم بفهمیم که استعمار دیگر چه پلان دارد و "خلیلزاد" های بعدی با کدام پلان ها وارد میدان خواهند شد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع ها ر مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!